

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

☆ برقراری آتش بس و شکست نقشه های مداخله جویانه و جنگ افروزان رژیم ارتجاعی خمینی و رژیم جنایتکار صدام را به همه مردم ایران شادباش می گوئیم

☆ روز آتش بس را جشن می گیریم ، پیکار در راه صلح پایدار را ادامه می دهیم

شدن این گام بزرگ در راه صلح، عمیقاً خود را سپاسم و شریک می دانند.
جنگ توسط صدا مبه کشور ما تحمیل شد و خمینی آن را ادا مدهد. مسئول ادا مبه جنگ و فاجعه ناشی از آن، سران رژیم و بویژه شخص خمینی است. اکنون شبح شوم جنگ از آسمان غمناک کشور ایران و عراق دور می شود اما تار سیدن به صلح پایدار راه درازی در پیش است. راهی که هموار نیست و بسا دشواری ها روبرو است. اکنون که آتش بس برقرار شده است، همه ما باید به مبارزه پیگیر در راه با زکشتنا پذیر کردن آتش بس و تامین و تضمین صلح پایدار بین دو کشور فداانه ادامه دهیم. نباید اجازه داد که صدا م و خمینی در راه اجرای نام و تمام قطعنامه ۵۹۸ مانع تراشی کنند. اجرای بیخنده قطعنامه و خواست مردم ایران و عراق و همه محافل صلح دوست جهان است. برای تحقق این هدف

هم میهنان!
سرانجام در نخستین ساعات با صدا م مروز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش جنگ خانما شوز هشت ساله خاموش شد. آتش بس در جبهه ها رسماً برقرار گردید. برقراری آتش بس بر شما مبارک باد!
این پیروزی بزرگی برای مردم دو کشور ایران و عراق و همه بشریت صلح دوست است که عزم و رزم صلح جویانه خود را پشتوانه تلاش های مسئولان و دبیرکل سازمان ملل متحد قرار دادند و طبیعتاً صلح را علیرغم نیت جنایتکارانه خمینی و صدا م در افق دو کشور ایران و عراق بدیدار ساختند.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بر شورترین احساسات خود را به مناسبت این رویداد دخیستد با ارضی دارد. فدا گیسان در این سرور بزرگ که در پی هشت سال رنج و درد دیده آمده است، در این خوشحالی خلق به خاطر برداشته

آتش بس پس از ۸ سال جنگ تبهارانه

پس از ۹۵ ماه کشتار و ویرانی بیامان و پس از شکست مطلق نقشه های توسعه طلبانه و تها و کارانه دور زیم ارتجاعی ایران و عراق، سرانجام مینا نچگیری و نظارت سازمان ملل متحد، از روز ۲۹ مرداد ماه ۶۷ آتش بس رسمی در جبهه ها برقرار شد. از این تاریخ واحدهای نظامی اعزامی از سوی سازمان ملل متحد در مرزهای دو کشور، نظارت بر اجرای آتش بس را بر عهده گرفته اند و متعاقباً آن می بایست مذاکرات دور زیم تبهارا ممتنا م برای انعقاد بیعنامه صلح زیر نظر سازمان ملل متحد جریان یابد. این احتمال قوی است که خونخوا ران حاکم بر دو کشور اکنون پشت میز مذاکره تلاش کنند تا از زیر بار رحل عادلانه مسایل مطروحه سر با زدنند و زمینه های شنج و خون ریزی را برای سال ها و نسلهای آتی به ارث بگذارند. همه حزب مترقی و مردم شریف دو کشور ایران و عراق مسئولیت تاریخی دارند تا با هوشیاری تمام دور زیم ارتجاعی را برای انعقاد بیعنامه عادلانه ای که صلح پایدار میان دو کشور را تامین کند، زیر فشار بگذارند. مردم کشور ما در این شرایط خاص با یادگیری به عدل شروع و تداوم جنگ و تنگیز دور زیم خمینی در بدین آتش بس رادرنظر آورند و بیک آن فرصت ندهند که ارتجاع آخوندی این بار با واسطه آتش بس آنها را فریب دهد و نتایج برجهره اهریمنی را بدو بکشد.

رژیم خمینی مسئول اصلی ادا مبه جنگ

جنگ خونخوا رانه هشت ساله، هما نگونه که ما با رها گشته ایم قیل از همه به دلیل توسعه طلبی ها و ما جرا جوی های رژیم عراق و جبا ممله ای رژیم به درون خاک ایران آغا زشد، چنین اقدامی از سوی رژیم عراق بدون اطمینان از حمایت امپریالیسم آمریکا دشوار بود. نقشه امپریالیسم آمریکا برای احیاء مواج قبلی خود در منطقه و تلاش های آن برای نابود کردن دستا وردهای مردمی انقلاب بهمن با نقشه های رژیم عراق همخوانی داشت. از این رو برای امپریالیست های آمریکا راهی مناسب تر از آن متصور نبود که از ما جرا جوی نظامی رژیم صدام و آغا ز جنگ حمایت کنند و وابستگان ارتجاعی خود در منطقه را نیز به حمایت از این نقشه دعوت نمایند. ما همه این نقشه ها را با رها رها افشا کردیم و چه قبل از جنگ و چه پس از شروع جنگ، نسبت به فاجعه ای که مردم کشور ما را تهدید می کند هشدار داده ایم. اما شنیدن هشدارهای ما و تلاش برای خنثی کردن نقشه های ارتجاع عراق و امپریالیسم آمریکا از عهده رژیم ارتجاعی خمینی که خود نقشه های آشکار توسعه طلبانه و تها و کارانه داشت، ناممکن بود. خمینی رسماً و علناً زیر علم "صدور انقلاب"، قصد خود را برای بسط رژیم ارتجاعی بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- * هرگونه تعقیب و پیگرد مداخلان و تحریم کنندگان جنگ، مشمولین فراری، درجه داران، سربازان و سپاهیان تحت پیگرد باید فوراً متوقف گردد.
- * علیه اعدا م های جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی به پا خیزیم.
- * انتقام جوئی از مجاهدین خلق ایران را با خشم و نفرت محکوم می کنیم.

جمهوری اسلامی که می توانند منبع خطر باشند، لازم خواهد بود.

دولت ریگان هر چند خود را مدافع قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ و رفع تشنج در خلیج فارس نشان می دهد، اما عملاً ده قطعنامه ۵۹۸ - مبنی بر خودداری کشورهای دیگر از توسل به اقدامات شنج زادر منطقه - را نقض می کند و یکی از عوامل مهم تشنج در منطقه، یعنی استقرار ناوگان دریایی خود در خلیج فارس را توجیه می کند. سیاست تها و کارانه آمریکا نشان می دهد که از ابتدا نیز "تا مین امنیت کشتیرانی" بهانه ای بیش نبوده و آمریکا این لشکرکشی را با هدف گسترش حضور نظامی خود در خلیج انجام داده است. حضور این ناوگان هادر خلیج فارس خطری دایمی علیه امنیت منطقه بوده و استقلال عمل کشورهای ساحلی خلیج را نیز به شدت خدشه دار می کند، لذا ناوگانهای آمریکا و متحدین نا تویاش باید هر چه زودتر خلیج فارس را ترک کنند.

ناوهای آمریکایی باید از خلیج فارس خارج شوند

بیش از دو هفته است که آتش جنگ خانما شوز ایران و عراق خاموش شده است. با شروع آتش بس، جنگ نفت کشها و حمله به کشتی ها در خلیج فارس نیز پایان یافت و آزادی کشتیرانی بیبا لملی در این آبراه معلوم رسماً تا مین گردید. اکنون دیگر کوچکترین بهانه ای نیز برای حضور ناوگان های جنگی امپریالیسم آمریکا و متحدین نا تویاش در مرزهای جنوبی کشور ما وجود ندارد. این ناوهای سال گذشته و در اوج جنگ نفت کشها، ظاهراً به دلیل تا مین امنیت کشتیرانی به خلیج فارس گسیل شدند. اعزام این ناوگان ها اعتراض مردم ایران و جهان را برانگیخت و مبارزه گسترده ای علیه و این اقدام تها و کارانه امپریالیستی به راه افتاد. امپریالیسم آمریکا به این اعترافات واقعی تنها دو بر زمین داده است. جنگ روز به روز بر حضور نظامی خود در خلیج فارس افزود. هما نگونه که پیش بینی می شد، ناوگانهای آمریکا نه تنها نتوانستند امنیت کشتیرانی را تا مین کنند، بلکه بروخامت و تشنج اوضاع افزودند و چندین بار خلیج فارس را تا آستانه جنگ تمام عیار پیش بردند. آخرین نمونه تشنج فزایشی و فاجعه آفرینی آنها، سرنگون کسردن هواپیمای مسافربری ایران و قتل بیش از ۲۹۰ سرنشین بیگناه آن در تیرماه سال جاری بود.

اما آن گونه که پیداست متجاوزین آمریکا طی علیرغم برقراری آتش بس خیال نداشتند و همای جنگی خود را از خلیج فارس بیرون ببرند. دوم مرداد ماه یعنی چند روز پس از اینکه جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، فرانک کارلویچ، وزیر دفاع آمریکا اعلام داشت که ناوهای آمریکا یکی اکنون ۴۰ سال است در خلیج فارس حضور دارند و حتی در صورت قطع جنگ نیز این منطقه را ترک نخواهند کرد. وی افزود محیط قطعی می تواند بر سر کاهش تعداد ناوها باشد. به دنبال او ریچارد مورفی، معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز تاکید کرد که این کشور قصد ندارد سیاست خود در خلیج فارس را تغییر دهد و در صورت آتش بس نیز نظارت دقیق بر نیروهای

اعدام رفیق فرامرز صوفی

بدست دژ خیمان خمینی

سری دیگر از سرداران بردار شد و سرور سروستان میهن برخاک... در پگاه اویسن، واپسین شعله زلال چشمی پرفروغ به توطئه پیوست. نگاه خورشید در چشمه سا زمانند. شعله در شعله، چشم در چشم. یگانگی در نور... بی گلوله هم جاودانه بود پیوند شعله ها. و گلوله نه بر جان شیفته که بر تلافی نور نشست، تا جاودانه ترکند پیوند خورشید و چشم را. تا نفیرش نسیم را خبر کند که نسیم نوربا فتنه را تار و پودش جان سوی "نست سرن و "با سمن" برد. تا گلها مانند پدرا در جان کوچک و در دانه لود خویش جاودان سازند. نسیم اینگونه گرد و نور، آنگاه که سوی خانه گلها بر می کشید، راه بر جنوب شهرک کرد تا با کیش به ظلمت جماران نیا لایوهما نگونه زلال که از نگاه پدرا جو شیده بود، بر دل پاک دختران نشیند.

رفیق فرامرز صوفی را به جرم "ته" گفتند تیرباران کردند. فرامرز جرمی نداشت، حتی با بقیه در صفحه ۵

در این شماره

- ۱- " قضاوت " در خدمت جنایت ۵ ص
- ۲- جنبش مقاومت فلسطین: یک پیروزی دیگر ۷ ص
- ۳- صمد: فرزند فروتن مردم ۶ ص
- ۴- قانون کار اسلامی همچنان درین بست ۴ ص

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، مرگ بر خمینی

آتش بس پس ...

بقیه از صفحه اول
ولایت فقیه به مبارک‌شهرهای اسلامی، بخصوصاً به کشورهای همجوار را اعلام کرده و بر آن اصرار داشت. خمینی پس از دستیابی به حکومت، مدخلات خشن خود را در ایران مورد اجرای کشورهای خاورمیانه و نزدیک شروع کرد و در این میان عراق و لبنان و افغانستان بیش از همه هدف توطئه‌های رژیم خمینی قرار گرفتند. رژیم خمینی در این کشورها به تخریب ک نیروهای بنیادگرا و سرهمبندی دارو دسته‌های حزب الهی مشغول شد و بخصوص به توطئه برای تضعیف نیروهای انقلابی و پیشرو در این کشورها پرداخت. امروز، در شرایطی که کبسی از ۹۵ ماه جنگ و شکست نقشه‌های خمینی آتش بس میان دو رژیم برقرار شده، اقدامات تجار و کارکنان و ارتجاعی رژیم خمینی در افغانستان و لبنان و در میان نیروهای ترقیخواه عراق هنوز با شدت تمام ادامه دارد. این توطئه‌ها هر یک آستانه فاجعه‌های دیگری علیه مردم واکسل ملل منطقه است.

اقدامات رژیم به منظور "دوران انقلاب" که به زبان آغاز انقلاب بهمین جریان داشت، همواره اینها را لازم برای شعله ور کردن جنگ را در اختیار رژیم عراق گذاشته بود.

رژیم خمینی پس از شروع جنگ در موضع نفی هر گونه مذاکره و ادامه جنگ به هر قیمت قرار گرفت. رژیم خمینی مسئول اصلی ادامه جنگ هشت ساله و مسئول اصلی این همه خونریزی و ویرانی است.

جنایت ارتجاع عراق در تحمیل جنگ

رژیم ارتجاعی عراق که در پی فرصتی بود تا قرارداد ۱۹۷۵ را زیر پا بگذارد و برای بررسی مطمع منسوب طلبانه خود اقدام کند، با پیوستن رژیم انقلاب بهمین بر رژیم‌ها و گسترش وضعیت انقلابی در کشور شرایط را مناسب دید و پس از کسب اطمینان از حمایت دولت ریگان و برخی از مرتجعین منطقه، روز ۳۱ شهریور سال ۵۹ حمله نظامی به ایران را آغاز کرد. رژیم عراق با ادامه حمله بر سرزمین مردم ایران برای درهم شکستن تجار و زنا چارسیه عیب نشینی شده بود، نه تنها حرفی از صلح نسبی زد بلکه شکار قصد خود را برای گسترش تجاوز به سرخوستان و بخش بزرگی از کردستان تبلیغ می‌کرد. امروز نیز رژیم عراق تنها به دلیل شکست نقشه‌ها برای پذیرش آتش بس ادامه داده است. این رژیم اگر امکانی نظمی کافی می‌داشت و حامیان نیز نتوانستند می‌کردند، کوچکترین تردیدی در ادامه جنگ نمی‌کرد. بنا بر این عوام فریبی‌های رژیم عراق برای صلح طلب و نمود کردن خود نیز در عراق، بی پایه و منفردانه است. مسئولیت اصلی رژیم خمینی در ادامه جنگ به هیچ وجه نمی‌تواند دستاویز رژیم عراق برای صلح طلب جلوه دادن خود نزد مردم عراق و جهان شود. همین‌گونه تلاش رژیم عراق برای پیروزشان دادن خود نیز مضحک‌های بیش نیست که تنها به توجیه هدف آن‌ها مخزن مردم عراق و وسیله آتش و بی‌حما بی‌ارتجاعی حاکم علیه نیروهای انقلابی و مترقی آن کشور است. رژیم عراق نیز همچون رژیم خمینی بلافاصله آتش بس بر سرای گسترش جنگ علیه نیروهای مترقی عراق به سر گرفته است. هم‌اکنون رژیم عراق با همه کشورها حتی با نوسل به سلاح شیمیایی، مردم شریف و قهرمان کرد را هدف قرار داده و هزاران نفر را کشته و آوار کرده است. واقعیت چیست؟ واقعیت این است که ارتجاع عراق و ایران هم‌دیروز که در جنگ بودند و هم‌اکنون رژیم عراق در رندیش می‌زند که بنشینند، یک هدف مشترک دارند که هدف اصلی در همه تلاش‌های آنان است. این هدف مشترک همانا متفرق کردن سرکوب نیروهای مترقی دو کشور است. و در ورنیست آن روزی که کشیا طین شهیران و بغداد، "برادرانه" برای سرکوب جنبش انقلابی در دو کشور، بخصوص در کردستان همگامی کنند.

امپریالیسم آمریکا به برادران ملی جنگ

از هر طرف کشته و ویران شود، به سود امپریالیسم آمریکا است. این جوهر سیاست دولت ریگان در آغاز وادامه جنگ بوده است. دولت آمریکا که بر آن بود تا مواضع از دست رفته خود را بر ایران و عراق و کل منطقه احیا کند و حضور مستقیم نظامی خود را در آنجا در دست خورده منطقه یعنی رژیم شاه بنشاند، نقشه‌های رژیم عراق و ماجراجویی‌های رژیم خمینی را در خدمت نقشه‌های خود دید. برای هر کسی که با الفبا سیاست آشنا باشد، روشن است که نقشه‌ها تنها جمع‌آوری به کمک‌های کویت و عربستان سعودی و فرانسه به عراق، به سود و ترغیب و حمایت دولت ریگان عملی نمی‌شود و دست کم این جنگ بدون دخالت آمریکا نتوانست این گونه به طول انجامد. جنگ در خدمت نقشه امپریالیسم ایران از زمین بردن دستاورد‌های مردمی انقلاب ایران و درهم شکستن جنبش انقلابی مردم در دو کشور بود، جنگ، همانا توطئه‌ها است که رژیم را پیش از پیش‌نیا زندان امپریالیسم و به آن نزدیک می‌کرد. جنگ، سلاح‌های آنا بود می‌گردید که می‌بایست از آمریکا و هم‌دستان آن خرید می‌شد.

جنگ شهرهای آنا بود می‌گردید که می‌بایست برای بازسازی آنها، دست کم به سوی انحصارات امپریالیستی دراز کرد. جنگ دو کشور هم‌اکنون به هم مشغول می‌گردند اما شیل با خیال راحت است لبنان را ببلند و متلاشی کند و فلسطینیان را در خون غرق سازد. جنگ دستاویزی بود تا وگانای آمریکا از درخیش مستقر شوند. جنگ، آنا بیگانه‌ای برای آزودن انواع سلاح‌های پیشرفته بود تا این سلاح‌ها به صورت با زهم پیشرفته تر تکامل یابند. در یک کلام، جنگ، رحمت الهی برای دولت ریگان بود.

دولت ریگان اکنون چنین تبلیغ می‌کند که با مداخله نظامی او جنگ قطع شود و نیروهای آمریکا را ناجی صلح قلمداد می‌کند. اگر یک ذره ای واقعیت در این ادعاها باشد باید پرسید چرا این "ناجی صلح" از همان آغاز به‌زیستی قطع جنگ اقدام نکرد؟ چرا پس از نزدیک به هشت سال به فکر برقراری صلح افتاد؟ پاسخ برای مردم ایران و عراق روشن است. آمریکا پس از رسیدن به بخش اعظم خواست‌های خود، مرحله نهائی نقشه را که عبارت از استقرار نیروهای نظامی آن در منطقه خلیج فارس بود، نیز به اجرا گذاشت. آمریکا دیگر به تنهایی و هم‌جنگ نیا زنداشت، بلکه این بار احتیاج داشت زیر علم "دفاع از امنیت گسترانی" اقدام کند. چون تنها این دستاویز برای گسترش نظامی ریگان به خلیج بود. آمریکا دیگر توجیهی برای حمایت در برده‌ها و ارتجاع و جنگ نداشت، افکار عمومی در آمریکا و اروپا و تمام جهان، به خصوص در منطقه خاورمیانه و نزدیک به شدت علیه ادامه جنگ سیخ شده بود و دولت ریگان را زیر فشار قرار داده بود. متحدین و دوستان امپریالیسم آمریکا در منطقه هیچ‌کدام دیگر با ادامه جنگ موافق نبودند و جنگ را خطری برای بقا سیات و رفاه خود تشخیص می‌دادند. در رابطه با وضع داخلی ایران و عراق ادامه جنگ خطرات جدی را از ناحیه حاکمیت مردمی متوجه می‌ساخت. ارتجاع می‌کرد و بحران عظیم هم‌اکنون به دو کشور، سیات گران و آشکنان را به شدت تدقیق سیات‌های خود تا چارمی ساخت. از سوی دیگر سو، گدازرات آمریکا بی‌غریبی را در بر می‌آورد. هر چه سریع‌تر جهت بازسازی ویرانی‌ها که می‌توان امیدوار بود، احصای برکنند، بنای جدید فراخوش کرد. اینک با اعلام آتش بس، "عسکران کنگدان" از سوی غرب سرازیر شده و بدیهی است که قطع این لشکر هم‌دیروز امپریالیسم آمریکا تا شایر خود را داشته است.

بدینگونه، مردم آمریکا در هم‌ترتفع جنگ و هم‌در ادامه جنگ مقصر می‌شنا سند و به‌جای نیان علیه دولتی که این همه جنایت را بر دو کشور برادر تحمیل کرده، اعلام جرم می‌کنند. مردم ایران هیچ‌گاه تا این اندازه امپریالیسم درنده‌خوار نشناخته بودند و با تمام نفرت خود اعلام می‌کنند که تنها زره علیه امپریالیسم خصوما امپریالیسم قلدر آمریکا را تا آخر ادامه می‌دهند.

خمینی و آتش بس

هر کسی که بیانشیه طولانی خمینی به مناسبت سالگرد مرگ و آتش بس را شنیده باشد، به آسانی می‌تواند پیغمده که ماضی این بیانشیه‌ها چند جباران چه تلخ بوده است. مخصوصاً آنجا که اذعان می‌کنند بیزیش آتش بس همچون سرکشیدن جام زهر برای آلوده نگا ملا گویای حرف دل وی است. آری، پذیرش آتش بس برای خمینی واقعاً نشانه نشیدن جام زهر بوده است. چرا جام زهر؟ چون در تمام اندیشه‌ها و احساسات بیمارگونه این شهسکار و افعال ملخ آزادی و عدالت نیست.

تا آنجا که به مردم ایران بر می‌گردد، این مردم همواره از جنگ نفرت داشتند. گدا مردمی زیر این آسمان پیدا می‌شود که خواستار قتل عمام فرزندان خود، نابودی شهرها و روستاها و کارخانجات خود و آواره شدن و فقر و فلاکت خویش باشند؟ مردم وقت در برابر بگلوله‌های ارتش شاه می‌نشینند و کردند و سلطنت را واژگون ساختند، همه از رویگان این بود که صلح و آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی برای اکثریت زمینکش تا مین شود. نه اینکه سیل خون جاری گردد و آوار ویرانی و ویرانی و بی‌کاری و فساد همه جا تنها اجتماع بر سرشان فروریزد. مردم خیلی زود فحایح جنگ را با تمام وجود خود لمس کردند. مردم روزگرمی گذشت اعتراض و نفرت خود را از جنگ بیشتر بر روی دادند و زمانه نبردهای سیاسی ترقی خواه به نایبندگی از مردم نشیور در راه صلح را درمخود استهپا نشان قرار دادند. اما رژیم برای جلوگیری از توسعه اعتراضات مردم و شکل گیری یک جنبش متحد همگانی به خاطر قطع جنگ همه دستگامی سرکوب خود را به‌دا تداخت. ششور و اختناق در طول جنگ به‌اوج خود رسید و هزاران نفر طی این سال‌ها ناعدا موربه نیست شدند. از سوی دیگر بیگاری و ترس از خراج و از دست دادن مسر در امخود و نیمی که هر کسی با هزار رحمت در پی آن بود به‌عامل فشار رهولناکی علیه طرفداران صلح تبدیل شد. علاوه بر عوامل فوق، مردم همگامی را با زمانه صلح سیاسی ترقیخواه هم‌دیروز به‌خاطر

صلح، عامل دیگر در جلوگیری از تبدیل اعتراضات صلح‌خواهانه مردم به یک جنبش عظیم و سراسری شد. آن سازمان‌های سیاسی که به هر دعوتی، منجمله دعوت‌های پیاپی سازمان ما برای همکامی و اتحاد دوبرای صلح پاسخ رد دادند، باید به‌خود آیند. همه این عوامل باعث شده که مردم ما به رغم خواست باطنی ما و به رغم نفرت‌شان از جنگ، از اجابد یک جنبه‌نبر و منسراسری به‌خاطر صلح محروم شوند. رژیم‌ها هنگامی آتش بس را قبول کرده‌اند که گفت خود خمینی، مسئولین نظامی و فنی و سیاسی به احوالی کردند که شین جنگی او دیگر کارگزار افتاده است و توان ایستادگی ندارد. اگر خمینی با زهم سرما به‌یوتوان نظامی برای ادامه جنگ می‌داشت، قطعاً ترجیح می‌داد که به‌جای نشیدن جام زهر آتش بس، جام زهر آدم‌کش را همچنان در کام مردم سرازیر کند. درک این مسایل برای مردم بسیار حیاتی است. چرا که خطر جنگ هنوز از زمین نرفته و ضرورت مبارزه برای صلح پایدار بین ایران و عراق و تبدیل ایران به‌عامل صلح در منطقه تنها ادامه دارد، بلکه تا سال‌ها دراز، یک‌کمی از خواست‌های اصلی خود اهدود. اعتراضات دم‌افزون مردم ما ادامه جنگ، قطع کمک به‌جبهه‌ها، امتناع از رفتن به‌جبهه‌ها، مقاومت نظامیان میهن پرست در برابر سیات‌ها و ادامه جنگ و دیگر بی‌معنی بودن جنایت‌ها بر بودن جنگ از سوی توده وسیعی از نیروهای جبهه‌ها، عامل قاطعی در صلح کردن ما شین جنگی رژیم بود. اما مردم نباید به‌جای صلح در حواشی شکل از مبارزه بنده می‌گردند و برای آینده نیز نباید به‌آن قانع باشند. مردم ما بدین‌دور خود را به صورت یک جنبش متحد و سراسری علیه جنگ و رژیم بسط می‌دادند. برای تامین صلح با صلح‌داران آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه، این وظیفه در چشم‌انداز آینده مبارزه مردم سرشوت سازاست.

اکنون آینده به‌برابر است و باید از گذشته درس گرفت. مردم ایران و همه سازمان‌های سیاسی ترقیخواه باید به‌خود یاد بگیرند. جباران عصب‌ماندگی‌ها تلاش کنند. مردم ایران باید بدانند که بی‌شرافت مذاکرات، تا مین صلح پایدار و تبدیل شدن ایران به‌عامل صلح و تامین آزادی سیاسی و رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی همه‌همه درگرمبارزه متحدانه و آگاهانه سراسری آنهاست. رژیم خمینی صلح پایدار به‌رمان نخواهد آورد. رژیم خمینی دشمن آزادی و عدالت و دشمن مردم است. مردم باید بر سر هدف‌های مشترک‌شان متحدانه به‌باز گیرند، سازمان‌های سیاسی علیه غم‌اختلاف‌شان با بی‌سند تا بیستی خود را در متحد کردن مبارزه‌ها ترصلح با یاداروبه‌خاطر آزادی و آبا دی و رفاه و عدالت به اثبات برسانند. اگر مردم سازمان‌های سیاسی از این سال‌های خویشا جنگ و ارتجاع ایمن درس را بگیرند، آنوقت ما می‌توانیم بگوئیم که پیروزی بزرگی به‌دست آوردیم و همه چیز به‌کام امپریالیسم و ارتجاع و به‌کام جود جنگ و غفرت برگام نبوده است.

دوستان مردم در سال‌های سیاه جنگ

در سال‌های سیاه جنگ، همه‌نگونه که دشمنان کشور ما خود را افشا کردند، دوستان ما نیز خود را بیش از پیش معرفی کردند. تمام کشورهای که از همان آغاز از قطع حمایت کردند، مستقل از نوع رژیم این کشورها، به‌منافع مردم خودشان و مردم کشور ما و به‌شنج زداشی و صلح جهانی خدمت کردند. به‌عنوان یکی ملت تمدن و متعهد به موازین بین‌المللی و اخلاقی باید موضوع آنها را برج گذاشت.

کشورهای سوسیالیستی، از آنجا که در آنجا و چین و زگه‌ها گویا، از همان آغاز، مخالف جنگ و حامی برقراری هر چه سریع‌تر صلح و حل مسایل دو کشور از طریق مذاکره بوده‌اند. اتحاد شوروی و چین در شورای امنیت و سازمان‌های سوسیالیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر ضرورت برقراری صلح پای فشرده. کشورهای سوسیالیستی گویندند تا هر مکان سیاسی را که در اختیار دارند به خدمت برقراری صلح بین دو طرف قرار دهند. ما همه این اقدامات را ارج می‌نهیم. ما یک تجربه را نیز می‌فزانیم، به‌عنوان هم‌کشورهایی خود را قطع جنگ می‌بایست اقدام‌ها هم‌تروقتی خود را برای تحریم فروش تسلیحات تنها جمعی به‌دور رژیم انجام می‌دادند. چنانچه دور رژیم از یافت سلاح‌ها تنها جمعی به‌هر شکل محروم می‌شدند، قطعاً ما شین جنگی آنها زودترین بیست می‌رسید.

علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، کشورهای دیگری با نظام‌های سیاسی گوناگون، مانند هند، نیکاراگوئه، مکزیک، سوئد، فنلاند، ژیمبا بوه و الجزایر و بسیاری دیگر از قطع فوری جنگ حمایت کردند. مردم ما هم این اقدامات را ارج می‌نهید و به‌سود شنج زداشی در صلح بین‌المللی می‌دانند. متاسفانه علاوه بر دولت ریگان و هم‌دستان امپریالیست آن، برخی از رژیم‌های فدا امپریالیست به‌گونه‌ای دور از انتظار موضع دفاع از جنبش گرفتند و در ششور جنگ خمینی می‌بازند آختند. در این

پس از گذشت بیش از ۹ سال از انقلاب بیمن و سپری شدن دودوره مجلس شورای اسلامی هنوز قانون علیرغم فتوای خمینی، بن بست قانونگزاری همچنان با برجا است.

رژیم خمینی بعد از ۹ سال تحلل و مفاومت در مقابل اعتراضات و خواست طبقه کارگر مبنی بر تدوین قانون کار مترقی سرانجام در آبان ماه ۶۶ قانون کار "جدید" را از تصویب مجلس دوم شورای اسلامی گذراند. این قانون با اینکه نسبت به قانون کار زمان شاه در بعضی از عرصه ها، دستاوردهای مبارزاتی کارگران را منعکس می کرد اما در اساسی ترین وجه، رد قانونی ضد مگر تیک و ارتجاعی بود. از جمله، قانون کار رموبه مجلس شورای اسلامی کارگران را از حق شکل مستقل منفی (سندیکا) و امنیت شغلی و حق اعتصاب محروم کرده است. اما حتی همین قانون کار نیز علیرغم همه خصویات فئودال تیک خود نتوانست رفا بست خاطر "فتیحا" را شوری نگهین و اقرار هم کند. آنهسا با رد قانون کار "جدید" مصوبه مجلس، خواستار منته کردن هر چه بیشتر آن هستند.

آنهسا پس از شکست فضا حت با ر قانون کار صدر رسد اسلامی توكلی، می خواهند قانون کار اسلامی بعدی در حلال مهر و نشان شرع را بر خود داشته باشند. با شوا لا قلم همین اجاعف و تبعیض، همیمن حق کشتی ها و بی قانونی های موجود همه آنچه را که رژیم خمینی طی ۹ سال به طبقه کارگر تحمیل کرده، به مثابه قانون حفظ و تثبیت شود.

در ۹ سال حیات جمهوری اسلامی، صدها هزار کارگر شغل خود را از دست دادند. شمار کثیری از آنها بدون پرداخت کوچکترین غرامت از کار اخراج شدند. مشکل های واقعی کارگران مورد بی توجهی و

اوباشان و جماعت بدستان سیا و کمیته ها و احزاب میسان کار فرما بی قرار گرفتند. شما بندگان انقلابی را کارگران دستگیر و با زکا اراجاج شدند. هزاران کارگر به زور و اجبار به جبهه های جنگ بی هوده گسیل شدند و بسیاری از آنها جان خود را از دست دادند. دستمزدها تهافتها متناسب با تورم سرسام آور افزایش یافت بلکه قدرت خرید کارگران در جمهوری اسلامی سیر نزولی پیمود. حتی بسیاری از کارگران از امتیازاتی که در برتومبارزاتشان در زمان شاه از آنها برخوردار بودند، در جمهوری اسلامی محروم شدند. به طور خلاصه باید گفت که در جمهوری اسلامی.

قانون کار اسلامی همچنان در بن بست

تاکنون به جای قانون کار، عدم امنیت شغلی، عدم امنیت جان و مال کارگران حکم بوده است. تدوین این وضع به طور قطع به نفع کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی است. لذا کارگران جمهوری اسلامی سیاست تحلل و وقت کشی را در دست و پست تصویب قانون کار به عنوان تاکتیکی در حمایت از کارفرمایان علیه کارگران به کار می گیرند.

شورای نگهبان همچنان به سیاست مفاومت نسبت به تدوین برابر طبقه کارگر، بلکه در برابر دولت و مجلس شورای اسلامی نیز که مدافع یک قانون کار بورژوازی هستند، ادامه می دهد. شورای نگهبان علیرغم فتوای خمینی و عقب نشینی بخشی از احزاب خمینی همچنان در دفاع بی قید و شرط از منافع کلان سرمایه داران و تجار بزرگ و حمایت از شرع در برابر الزامات سرمایه داران ایران، سرسختی نشان می دهد. سرحدی زاده طی مصاحبه ای اظهار می داری

حیثیت از نزدیکان و آشنایان قربانیان کیش شخصیت را، که علیرغم مصونیت رسمی تحت تضمینات و محرومیت های اجتماعی تا حدی زدا شد و تبعیض قرار گرفته بوده اند، نیز شامل روند حاکمیت جاری شمرد.

رئیس "کمیسیون ... همچنین تاکید کرد که این ارگان در نظر دارد پرونده "فعالین احزاب کمونیستی کشور" را در پرونده کمینترن راکتبه تقیم شوری بوند" و گرفتار سرنوشت مشابهی شدند. مورد بررسی قرار دهد. او گفت در نظر است این کار، که از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع شد، تا تمام ما ند، در ارتباط با احزاب مربوطه "پی گرفته شود.

روند جدید بررسی پرونده های سیاسی با لهای مذکور با اعلام تشکیل کمیسیون مربوطه در هفته های سالگرد انقلاب کبیر سوسالیستی اکتبر در سال گذشته شروع شد. میخائیل گارباچف در گزارش خود در آن تاریخ در برابر "تلاش های برای ورگردانی از مسائل درندگان" تاریخ حزب و کشورش، زوری، تلاش های که می خواهد نمود کند که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است، گفت: "ما نمی توانیم با این امر موافقت کنیم. این بی اعتنائی به حقیقت تاریخی و بی احترامی به خاطر گسائی است که قربانی بی گناهان قانون شکنی خود سرتی شده اند." کنفرانس اخیر حزب کمونیست اتحاد شوروی (A تا ۱۱ تیرماه) نیز پیشتر از آنه نیر و مندی برای ادامه و گسترش برخورد با این مسائل درندگان" ارائه داد. "حزب در آینده هرگز اجازه نخواهد داد چیزی مشا به آنچه که دوره کیش شخصیت و دور هر کودتا شد آن بودند و موجب کج سامانی در جامعه سوسیالیستی شد، رشد جامعه را به تحویق انداخت و قربانی های عظیم انسانی و فاجعه های روحی و فکری بی شماری به بار آورد، تکرار نشود" (از نقلها میسر است کنفرانس ۱۹).

بیکرو همه افسران، درجه داران، سربازان و سپاهیان که به خاطر عدم تمکین به سیاست ها و سرامین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند و بیکر همه منولاتی که به دلیل از خدمت سربازی و با رفتن به جبهه ها و خدمت به جنگ سرباز زده شدند، باید فوراً متوقف گردد.

باید بیکر دعا و محدودیت های ایجاد شده برای خانواده های که به خاطر طرجات جان فرزندان و جوانان خود از مصیبت جنگ، از زوطن خویش آواره شده اند، فوراً و کاملاً قطع شود. هرگونه بیکر اعمال فشار و محدودیت برای مهاجرین از وطن به خاطر جنگ جنتا بکار، به یاد منافی گردد. با زکشت بدون بیکر در مهاجرین به وطن خویش و تامین امنیت کامل آنها تضمین شود.

رفقا! این تراکت را همه جا پخش کنید!

سولومنتساف متیا ز کیفی کمیسیون کنونی را "رژیم بی نقش استالین به مثابه مقرر اصلی" عنوان کرد و گفت "گناه شخص استالین و نزدیک ترین اطرافیان وی در از زده دان به توضیفات و تری بی قانونی های وسیع و اقصا و حشتناک است. او اعاده

کرد که تصویب نهائی قانون کار اسلامی با توجه به فتوای خمینی انجام گیرد. اینکه فتوای خمینی در عمل تا چه اندازه تبعیض شوری نگهین را در منته کردن قانون کار رموبه مجلس کند، ناما بدو قانون کار سرخا میا چه مختصاتی از تصویب نهائی بگذرد، برای کارگران ایران میم است، اما مهم سراسر آن این است که نه تنها خواست ارتجاعی شوری نگهین، بلکه موازین ضد مگر تیک حاکم بر طبقه کارگر در مجلس نیز با منته سیاسی نمی توانند پذیرای آن باشند. تلاش وزارت کسار و دولت و نیز گردانندگان "خانه کارگر" پس از تصویب قانون کار در مجلس این بوده است که به منته مصوبه را به عنوان یک دستاورد بزرگ به کارگران تحمیل کنند و شراطی به وجود آورند که کارگران با توجه به مواضع شورای نگهبان، به اصطلاح رژیم مرگ به تب رفا بیت دهند.

نکته مهم دیگر اینکه، کاهش میان شوری نگهین و مجلس علیرغم فتوای خمینی ادامه می دهد و چشم انداز تصویب نهائی قانون کار جمهوری اسلامی پس از ۹ سال همچنان ناروشن است. و این امر برای کارگران این مبهین ما به ویژه امروز یعنی در شراطی که جنگ سیزده ماهه بیکی از علل اصلی دستاویزهای اصلی عدم تصویب قانون کار، قطع شده است، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. کارگران مبارز در دین حال که به مبارزه خود علیه تشبثات مذبوحانه شوری نگهین ادامه می دهند، مبارزه خود را جهت افشای قانون کار اسلامی مصوبه مجلس و برای تدوین یک قانون کار دمگراتیک و مترقی همچنان بیوقفه ادامه داده و پیشتر خواهند بود هرگونه دفع الوقت در تصویب و اجرای آن را طعنه افشا خواهند کرد.

بازسازی کشور...

است. ترمیم این ویرانیهای عظیم جز با بسیج همه امکانات انسانی، میسر نیست. بسیج کلیات انسانی تنها از طریق تامین آزادی و حقوق شوق دمگراتیک مردم امکان پذیر است. همگنان همگنان هزاران کارشناس و متخصص میهن پرست در زندانهای رژیم محبوسند. صدها هزار تن دیگر از جمله هزاران کارشناس و متخصص فنی به مهاجرت تحمیلی تسن داده اند.

سرا بر رژیم از هم اکنون از "محکم بستن کمربندها" سخن می گویند و از جمعیتان می خواهند که زندگی فلاکت را رکنونی را با زهم تحمل کنند تا آنها بتوانند مناطق جنگ زده را با زسازی کنند. چنین توفعی ز مردمی که از زهستی ساقط شده اند، بیبا تگرا و بی شرمی آخوندهای حاکم است. اکثریت عظیم مردم میهن ما، اکنون سالهاست که کمربندها را تا حد امکان سفت کرده و به زندگی فلاکت بار در زیر کمربند فقر ادامه داده اند و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. فتیحا ای حاکم گروا قضا به تا میس منافع مالی برای سوزای میا ندیشند، به تراست از تکریر سبب خالی شده های مردم میهن سر شونده و سراج میلیاردهای از ازر بر بندوا زمحسن میلیاردها و میلیاردها ریالی که آنها از طریق کشف ترین بندوست ها با مقامات حکومتی، ایجاد یا زاریا ه و صدها حیل و ترفند در ذیلان دیگر به جنگ آورده اند، برای بازسازی ما تبین اعتبار کنند. اگر چاقوی آخوندها دسته خود را نمی برد تا جر

تگر و میلیاردها زار که "استوانه حکومت آخوندی است، در بی یکدم ما لیاقت قانونی خود را نیز نمی بردا زد، مردم زحمتش به کدما دلیل با یاد زبان شب خود برای سوزای منافع جنگ زده بگذرد؟ حکومتی که نوکر شما را ز تگرات سبب خسته های عدالت خواهان زحمتمکان و قطع می نماید، در جریان بازسازی ما هیت ضد مردمی خود را برملا می سازد و بدینگونه است که مبارزه در راه عدالت اجتماعی به مثابه جزئی از مبارزه علیه رژیم، در جریان بازسازی شما و می باید.

در دنیای پیچیده امروز، امر با زسازی نمی توان بدون اتحاد یک سیاست خارجی روشن، صریح و مبتنی بر منافع ملی با موفقیت تقریبی گردد. سران رژیم که با شلاق وقت خواری به پای میز مذاکره برده شدند، اکنون ناگزیرند از موضع ضعیف مطلق با قدرت های امپریالیستی تجدید رابطه بنه کنند.

ارتجاع حاکم بنا به مایهات خود نخواهد توانست سوزای مناطق جنگی را بر اساس منافع ملی و مردمی منتحق سازد و بیگاری و فساد گسترده کنونی، حداقل در کوتاه مدت، با زهم افزایش خواهد یافت. نیروهای آگاه، ملی و مترقی، باید ترفندهای نظامی گرایانه رژیم جنبه های استبداد را و رتقار اداهای بی بنهستی می شوند را افشا نمایند و با نشان دادن رابطه حکومت و تجار بزرگ با زار و بر ملا کردن غارتگری های که در جریان بازسازی سازمان داده می شود تا جیب آخوندها و عمالشان پر شود، با غارت زحمتمکان، به بهانه ناب زسازی مفا بله نما یند.

به یاد رفیق رضی‌الدین تابان،
ستاره تابانک مفاومت در
سلسله آویسن.

آینه تابان

چون آینه در آب روان
چشمه جاننش

خندان
چندان

که بر چشمه زلال یک موج
فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج
چون آینه

بی وا همه گویای خود است
بی دا عیه چون آینه

گویای همه
*

در آینه چشمه جا نش

جو شیب

صد رنگ فریبای فلق

صد خورشید

شورید

شکوفید

بشعراورد آن

که لها م بگردند بر اورنجیران

در آینه چشم چراغانی او

می بارد

اشک سنگین و طبع

می سوزد

برسر "آتش فروخته از سوسن و یاس"

کفتر پر خسته و دل باخته آزادی

در آینه خشم خروشنده او

می خیزد

خشم سنگین و طبع

می سوزد

از آتش آفر و خسته خلق به پا خاسته

بنیاد مستم

*

چون آینه در آب روان

چشمه جاننش

خندان

چندان

که بر چشمه زلال یک موج

فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج

چون آینه

بی وا همه گویای خود است

بی دا عیه چون آینه

گویای همه

صمد: فرزند فروتن مردم

امروز اگر "صمد" زنده بود، قصه‌های دیگری می‌نوشت. قصه‌هایی که مضمونی برای "اولدوژو کلاغا"، "۴۴ ساعت در خواب و بیداری" و "ماهی سیاه کوچولو" داشت. آویسی شک چنین می‌کرد، چرا که قلب او همیشه با نبض روزگار می‌تپید. زیرا که او همواره در گره‌گاه‌های اصلی نبرد خوب و بد سنگین می‌بست و در این نقطه نیز نه تنها قلم می‌زد که قدم نیز بر می‌داشت، یا بهتر است بگوئیم: قلم در راستای قدم می‌زد.

صمد جزئی از یک جنبش بود. جنبشی که در سالهای دهه ۴۰ تبحر یافت. دهه ۴۰ دهه فرم بورژوازی شاه، دهه نیرو گرفتن ساواک، دهه فشار کشته‌برنای آزادی‌خواهی و گسترش روحیه انفعالی در لایه وسیعی از روشنفکران و رشد عنصر فساد در میان بسیاری از محافل آنان - کیفیتی که فروغ فرخزاد این گونه تصویرش کرد:

"مرداب‌های الککل
با آن بخارهای گس مسموم
انبوهی تحرک روشنفکران را
به زرفنای تیره خویش کشیدند..."

اما انبوه‌های روشنفکران، گرچه شغل فراوانی داشت، طبیعتاً نمی‌توانست همه‌نگونه کورس‌ها را ریخت. موج تنبذ در خون‌اندیشه‌ها و میدرازیر سنگینی خود درگ‌ها بنیاد آورد، و چنین نیز نبود. بسیاری به دور از این فضا، گرچه سخت اما با عزم و مصامت به انباشتن توشه انقلابی مردم، آرزاه تحقیقی و تالیف و ترجمه و نوشتن، ادامه می‌دادند و مهم‌تر از آن، محافلی تازه از جوانان پرشور پا گرفته بود که بی‌وقفه و شایق برای برهم زدن نظم کهنه در تارکای پیوسته وجود بودند. این جوشی ضروری بود که زیر پوسته "جزیره آرامش" تبحر پیدای کرد و ریشه‌های خود را سفت تر در عمق زمین می‌نشاند و می‌رفت تا سرانجام در هیات جنبشی گسترده به پیشگامی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، پرچم خویش را به دست انقلابیون پرشور سراسر ایران برآورد. دهه ۴۰ دهه‌شدایی نوزاد مبارک بود.

صمد جزئی از این جنبش بود. روشنفکری که در مرز امروز و فردا در جست‌وجوی امکان‌آینده‌ها می‌بود تا همراهم موج نیرومندی که در اندیشه بره‌هم زدن وضع موجود بود، راه‌ساختن دنیای نوین مردم میهنش را بیابد. صمد از پایه‌گذاران و راه‌برندگان یکی از سه محفل بزرگی است که به نام "گروه دوم" تشکیل دهندگان سازمان، معروف شدند.

او همراهِ رفقای شهید بهروز دهقان، علی‌رضا نابدل و برخی یاران دیگر تلاش بی‌گروپر شمر خرد سازمان دادند. آنان به مطلق تجربه گذشته و

حال پیدا ختنند و در تماس با دیگر محافل انقلابی، اندیشه خود پیرامون مبارزه مسلحانه را پرده‌خاست کردند و خطوط استراتژی و تاکتیک اولیه سازمان آینده‌را دریا فتند. همین طرح را "صمد" با استادی فراوان به‌زبان کودکان در آورد و در جلد "ماهی سیاه کوچولو" به‌دریای مردم، به‌سراسر ایران فرستاد.

روح و اندیشه نوجو * و ارتجاعی صمد در نوجوانی شکل گرفت و او را در موضع مقابل جهل و خرافات و زور و قهر داد. در زمان تحصیل در دانشسرای معلمی، نشریه‌ای به نام "خنده" در می‌آورد که همین مضمون را با خود داشت. صمد که دشمن تحمیلی فرهنگی بود به ویژه آن رایگی از وسایل آدامنه استبدادی دانست، با ارزش‌های تحمیلی مغرب و بی‌تئاسب با ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران به مقابله ایستاد. او ما هیت این تحمیل را که به پراگماتیس "زندگی آمریکایی" و ایجاد روحیه "الکی خوشی در میان مردم ایران و به‌ویژه نوجوانان و جوانان بود، شناخت و برای مقابله با آن با داری از استمرار و تقویت فرهنگ مردمی میهنش را وظیفه‌ای بی‌بدیل می‌دانست. او در این راه همراهِ رفیق راهش، "بهروز دهقان" کنار آرزشندی را در دیبا خوشی آغاز کردند. روزها و شب‌های بسیاری، بی‌خستگی و با اشتیاق، بسیاری صحبت کهنالان آذربایجان و نقالان و عاشق‌های آن سرزمین نشنند و آن‌چرا توانستند از سینه تاریخ فرهنگ توده‌ها برگرفند و به قدری را بی‌خویش نگاشتند و به‌جا سپردند. که به همان اندازه خدمت مهمی به فرهنگ ایران و آذربایجان است. به نظر صمد "فولکلور نشان دهنده و منعکس‌کننده احوال و افکار و آرزوهای طبقات محروم و پائین اجتماع است".

اما صمد فرهنگ هر قوم و ملت را نه یک محفظه بسته، جدا از بقیه‌ها، مونس، بلکه ارگانیک و بی‌شکسته مدام در حال مبادله با جهان پیرامون است. تاثیر و تأثری فعال که گاه من‌شد و گاه گاه من‌شده است. تلاش وی برای شناساندن دستاوردهای علمی و فرهنگی ملل دیگر، مبارزه آنان در راه این دستاوردها، معرفی چهره‌های ارتقا بخش دانش و معنویت بشری که در کارهای اندک او به چشم می‌خورد، گواهِ وسعت نظراوست.

صمد چهره‌ای عمیقاً مردمی است. ارتباطی بی‌گسست و سرشته‌ای با توده محروم و زحمتکش، به ویژه محروم‌ترین بخش آن یعنی روستا نشینان تپه دست، به‌فایده روح او را چنان اما لختی بخشیده بود که "درده بیشتر از تهران... از زندگیش لذت می‌برد" (۱) او برای این مردم محروم‌تر از همه، بیش از همه حق قایل بود. او از آنها یاد می‌گرفت و

می‌دانست که با دیده‌آنها بیشتر از بقیه‌ها دیده‌دهد او این مردم را دوست داشت. او از همین مردم بود صمد، معلمی را برگزیده بود. او موختن بود کودکان و نوجوانان و وظیفه‌جوانی برای او نبود که هرگاه مدرسه‌ای، اشتیاق وی به این کلاس آتشین ترمی کرد. او اعتقاد داشت که "فکرها مبتنی بر واقعیت و بنا بر این گویای حقیقت را باید بردیدان مردم، که بچه‌ها قسمتی از آنها هستند. شکوفائی آغاز شده خود، قصه‌های ارزنده و کم‌نظیر برای این گروه سنی نوشت. قصه‌هایی که به‌ویژه از نظر مضمون در ادبیات ما بی‌سابقه بود. او در این قصه‌ها تفاهدای طبقاتی را به‌بچه‌ها، نوجوانان نیز به بزرگترهای طبقات و اقشار مستکش‌جا معب نشان می‌داد و لزوم مبارزه طبقاتی را برایش اثبات می‌کرد. درست به همین دلیل است که صمد و آموگاری صمد، شمار بسیاری دانش‌آموزان انقلاب ایران شد؛ "صمد معلم است / راه‌صمد راه است". وقتی صمد ارس رفت، هنوز مشهور نبود، اندکی پس از آن، از هنر نویسندگی ایرانی دیگر مشهور شد. نوشته‌هایش با شتاب عجیبی از شهر، به روستاها و به میان توده‌ها راه جست. زبان‌ها و مقصداً هم‌وقوتانین روابط اساسی اجتماعی، به‌آنگاه که تشریحی از مردم‌بیدل کرد. کاری که مدها مقابل‌به‌این سادگی و سرعت به‌ویژه در آن‌شاید اختناق نمی‌توانست به‌تعمیر رساند. و این هم به‌یمن شکل مناسب‌سپاسگویی به‌نیا زجا معب، همین نیا زگسترده بود که تلاش وسیع و هماهنگ را خود به‌خود، در همه‌جا، ایران سازمان دادند. صمد در حافظه‌بویای حیات فکری مردم‌ما جایگاه ثابتی پیدا کرد. صمد یک نفر نبود، یک موج بود، نتایج انقلابی بود که نساواک و نه‌کل رژیم‌شاه مجسمل توان مقابل‌به‌آنها را نیافتند. ضرورت، راه‌خود با زگرده‌بود. جنس‌ال بعد، "شیک طبع"، شکنجک معروف ساواک، خشمگین و عاجز در برابر هیبت رزمنده‌ها، زمان، گفته‌بود: "تما بین آتش‌ها از صمد بلند شده، این فتنه‌ها را آن... برپا کرده، ارس‌دهش را نبسته‌بود، ما این‌جا مثل "بهروز" عملیات خردی می‌کردیم... (۳)

زیرنویس‌ها:
۱- نشریه "آرش" (۱۸) - ویژه‌نامه صمد، ص ۵
۲- نامه نسیم‌خاکسار
۳- نشریه چلی‌چلی (۶۷) - ویژه‌نامه صمد - به‌رنگی، ص ۲۶

جنبش مقاومت فلسطین: يك پیروزی دیگر

طی ماه گذشته دولت اردن با یک رشتگی تصمیماتی را به سبب سیاحت جدیدی در اردن با سبب مسأله فلسطینی اتخاذ و اعلام نمود. دولت اردن ابتدا اعلام داشت که مجلس سنا آن کشور را که نیمی از اعضای آن به نمایندگی از جانب فلسطینیان ساکن در مناطقی اشغالی غرب اردن تعیین می شدند، منحل کرده است. سپس لغو تصمیم مربوط به سرمایه گذاری های ۱۲ میلییارد دلاری اردن در سرزمین های اشغالی اعلام گردید. تصمیمی که قبلا در واقع با هدف گسترش نفوذ اردن در این مناطق و ایجاد لائترنا تیوی برای سازمان آزادیبخش فلسطین در میان فلسطینیان منطقه اشغالی اتخاذ شده بود و مورد مخالفت سازمان های فلسطینی قرار داشت. و سرانجام ملک حسین طی خطبی اظهار داشت که حکومت او تصمیم گرفته است تا همروابط حقوقی و اداری خود با سرزمین های اشغالی غرب اردن را قطع کند و از جایگزین دولت مستقل فلسطینی در این منطقه توسط "سافا" پشتیبانی می نماید. ملک حسین گفت: "قطع رابطه با غرب اردن بنا به تمایل "سافا" و تصمیم جلاس اخیر سنا آن کشورهای عضو مع عرب در الجزایر که در آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین مورد تأیید و تائید قرار گرفت، اتخاذ شده است.

ساحل غربی رود اردن بخشی از سرزمین های فلسطین است که پس از جنگ سال ۱۹۴۸ اسرائیل علیه عرب که قسمت های عمده سرزمین های فلسطینی را به اشغال اسرائیل درآورد، ضمیمه شده بود. این منطقه پس از جنگ ۶ روزه عرب و اسرائیل در سال ۱۹۴۷ به اشغال اسرائیل درآمد و اکنون بخش مهمی از سرزمین های اشغالی فلسطینیان را تشکیل می دهد و نزدیک به بیست میلیون نفر فلسطینی در آن سکونت دارند. پس از اشغال غرب اردن توسط صهیونیست ها، حدود ۱/۵ میلیون نفر از فلسطینیان ساکن در این مناطق به اردن مهاجرت کردند و در جزایر سرزمین های اشغالی غرب اردن سکونت گزیدند. آنها همگی تابعیت اردن را پذیرفتند و در زمره شهروندان آن کشور درآمدند. توده های فلسطینیان را اردنی ها سال ها است برادرانه و متحدانه رهبری می کنند و با یکدیگر در آمیخته اند. هر چند رژیم اردن برای فلسطینیان ساکن در آن سرزمین ها محدودیت های قانونی ایجاد کرده است، اما این امر و تلاش های تفرقه جوئی به حکومت آن کشور، بر این نزدیکی و اشتراک مساعی دو طبق فلسطینی و اردنی تأثیر جدی نداشته است. ارتباط بی بین فلسطینیان ساکن اردن و مناطق اشغالی آسیای بسیار نزدیک است.

زندگی نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر فلسطینی در کشور اردن که کل جمعیت آن از ۳ میلیون نفر تجاوز نمی کند، وجود حاسا ت برادرانه بین این طبقه، شرایط ایجاد کرده است که مسأله فلسطینی و طرق و شیوه های حل آن، تأثیرات مهمی بر وضعیت سیاسی و اجتماعی اقتصاد آن جا معاد اردن برجای می گذارد. به همین دلیل است که حکام اردن در باره مسأله فلسطینی بسیار حساس و اندوختن کرده اند. در این باره راه حل های را تعقیب کنند که قبل از همه به موقعیت حکومت آنها نظمی ن بخورد. طبیعی است که حکومت اردن از جایگزین دولت مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی نمی تواند بگذرد. زیرا چنین حکومتی بر مبارزه خلق اردن علیه رژیم حاکم و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی تأثیر خواهد داشت و بر زبان دستگاه سلطنتی اردن تمام خواهد شد. علاوه بر این رژیم اردن از گذشته تا به امروز تلاش کرده است تا فلسطینیان را تحت قیمومیت خود درآورد و بر مسائل و خواست های فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی و فلسطینیان ساکن اردن، تأثیر تعیین کننده داشته باشد. این عوامل زمینه ساز تمایل و وفاداری رژیم اردن به طرح های آمریکا و حمایت ملک حسین از طرح های جان دفنر ایون اردنی فلسطینی بوده است. همچنین اصول رقیلی ملک حسین مبنی بر این که یک هیات فلسطینی اردنی تنها نماینده و سخنگوی فلسطینیان باشد، از این امر چشمه می گرفت.

اما تغییر و تحولاتی که طی سال گذشته در منطقه عربی خاور میانه و به خصوص در رابطه با فلسطین به وقوع پیوسته است، رژیم اردن را مجبور کرده در مواضع قبلی خود تجدید نظر کند. این امر قبل از هر چیزی از رشد و اعتدالی مبارزه مردم فلسطین علیه صهیونیست ها است. مبارزه ای که با آغاز و تمامیت فلسطینیان ساکن سرزمین های اشغالی وارد مرحله کیفیتا نوینی شده است. تصمیم حکومت اردن به قطع رابطه حقوقی و اداری خود با مناطق اشغالی غرب اردن و دست برداشتن ملک حسین از فکر ایجاد دفنر ایون اردنی فلسطینی، همچنین حمایت تلویحی او از تشکیل دولت مستقل فلسطینی به رهبری "سافا" در مناطق اشغالی غرب اردن و نوار غزه، گام مثبتی است

که با استقبال توأم با احتیاط سازمان آزادیبخش فلسطین مواجه گردید. در پی این تصمیم، "سافا" اعلام داشت که سدر مذاکره با حکومت اردن جوان گوناگون ساله مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین طی اجلاس سالانه تشکیل دولت در سرزمین فلسطین را مورد بررسی قرار داد. و طرحی را در این باره تهیه کرده است که با سدر مورد بررسی و تصویب شورای ملی فلسطین قرار گیرد. تصمیمی که در باره جگونگی واکنش و اقدام "سافا" در احراز مسئولیت خود در مورد سرزمین های اشغالی، به جلال نوزدهم شورای ملی فلسطین که قرار است در آینده نزدیک برگزار شود، واگذار شده است. گذشته از این که حکومت اردن تحت چه شرایطی و با توجه به کدام ملاحظات معین چنین تصمیمی را اتخاذ کرده است، این امر یک پیروزی بسزای برای جنبش مقاوم فلسطین به شمار می آید. اعلام قطع ارتباط حقوقی و اداری اردن با سرزمین های اشغالی غرب اردن در هر چند مشکلات حقوقی و اداری فلسطینیان ساکن در این مناطق را افزایش خواهد داد و سازمان آزادیبخش فلسطین را با مشکلات جدیدی در این عرصه ها مواجه خواهد کرد. ولی زمینه های لازم برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی به رهبری "سافا" در سرزمین های اشغالی را بین از هر زمان فراهم کرده است.

افغانستان و ویرانگری ضد انقلاب

فدا انقلاب افغانستان طی ماه گذشته همچنان به سیاست رعب مردم در مناطق مختلف آن کشور ادامه داد. آنجا موثک باران شهرها، انفجار بمب و ترور انسان های بیگناه را با تبلیغات دیوانه وار و روایات دروغ به تصمیم آمیخته اند تا در دل مردم افغانستان که چشم بر راه صلح و آرامش هستند، وحشت و یاس بکارند. بر تاس ۱۷ه موثک در طول یک هفته به نقاط مختلف شیرکابل و کشتار قریب ۲۰۰ انسان در مدت کوتاهی در خیابان های کابل، نمودارین تلاش ها است. سربل و رود سلیمان خاک پاکستان به نقاط زیر سلطه نیروهای ضد انقلاب و انواع کمک های پاکستان و آمریکا به این نیروها همچنان ادامه دارد. پاکستان عملا کوچکترین حرکتی در راه اجرای قرارداد اذنی انجام نداده است. کارکنان های پاکستان در اجرای قرارداد اذنی و همکاری با پشتیبانی آمریکا صورت می گیرد، جشم انداز و اوضاع را نگران کننده کرده است. و این در حالی است که افغانستان را اتحاد شوروی با بیبندی به قرارداد اذنی و اجرای توافق نامه همه تلاش خود را به کار گرفته است. خروج قوای شوروی طبق تعهدات قرارداد اذنی دارد. تاکنون بیوشی از نیمی از این نیروها به اتحاد شوروی عودت داده شده اند.

فدا انقلاب همه نیروی خود را به کار رانداخته است تا یکی دو شهر بزرگ را به تصرف درآورد و آن را مرکز "حکومت" آینده خود اعلام کند و طی دو ماه اخیر در برخی موارد موفق به تصرف برخی مناطق و شهرها برای مدت کوتاهی هم شده است. ولی دولت افغانستان تاکنون توانسته است این نیروها را در ارتدادی از شهرها، از جمله قندهار به عقب سبب براند.

واقعیات نشان می دهد که فدا انقلاب مسلح قادر نیست آنچنان که مدعی است نقشه های خود را در پیش ببرد. جنگ روانی و تبلیغاتی که فدا انقلاب در داخل افغانستان و رسا نه های جمعیت امپریالیستی در خارج به راه انداخته است قدرت نظامی نیروهای مخالف دولت را بیش از آن چکه به نظر جلوس می دهد و سبب اودان خود سبب توهیم نیروهای ضد انقلاب و افزایش تگرانی مس مردم افغانستان شده است.

اجرای اقدامات توافق نامه زونو و پیشرفت گام به گام پرونده محاملی همچنان در تنه راه حل مسائل مربوط به افغانستان است.

چشم انداز صلح در جنوب غربی آفریقا

در ماه گذشته در باره بحث های کشورهای آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا، اعلامیه مشترکی در باره حل و فصل مسائل جنوب غربی آفریقا انتشار یافت.

در پی چهار دور مذاکره که بین نمایندگان این کشورها صورت گرفت، طرفیای مذکور در باره یک سلسله اقدامات به منظور اعطای استقلال به نامیبیا بر اساس قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد به توافق رسیدند. بر اثر توافق فوق چشم انداز زبرقاری مسلح در این منطقه گسوده شده است و راه حل منطقه ای برای تأمین امنیت در آنگولا استقلال نامیبیا به دست آمده است. زیرا اولاد دولت های آفریقای جنوبی و کوبا نیروهای خود را از خاک آنگولا راج خواهند ساخت و زمینه برای پایان یک جنگ طولانی داخلی

که از همان سال های اول انقلاب آنگولا گریبانگیر مردم این کشور بود، فراموشی شود. در نانی شرایط برای به جرارد آمدن قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت در مورد نامیبیا مبنی بر استقلال این سرزمین که تاکنون به سبب عینا تکیه گاه اصلی و پشت جبهه برای تجاوز علیه آنگولا مورد استفاده قرار گرفته، مهیا می شود. در نتیجه استقلال نامیبیا به رسمیت شناخته خواهد شد. برهبری سوا بودر جنبش استقلال نامیبیا از جانب مراجع بین المللی رسماً پذیرفته شده است.

حصول توافق های فوق بیروزی بزرگی برای مردم این منطقه قاره آفریقا و مآلا سراسر قاره خواهد بود. زیرا با زگرداندن صلح به این کانون منقشه و درگیری منطقه ای در خدمت تأمین صلح و امنیت سراسر آفریقا است. علاوه بر این راه گشودن نامیبیا و ترقی جامعه آنگولا که این سال ها تحت تأثیر منفی جنگ داخلی در خدمت تأمین صلح و امنیت ترقی جامعه آنگولا قرار داشت، گشوده می شود و همه انرژی و توان انقلابی مردم این سرزمین صرفاً برای زسازی جامعه و تحقق آرمان های عدالت خواهانه انقلاب آنگولا خواهد شد و استقلال سرزمین نامیبیا و مردم آن به یکی از بدهای نامیبیا خواهد بود. نامیبیا با این خواهد داد و مردم نامیبیا حاکم بر سر نوشت خود خواهد شدند.

در اجلاس "حراره"

جندی بیش در حراره، با بیخت زمین با هو، اجلاس کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تعهد در سطح وزیران تشکیل گردید. این دیدار که نخستین اجلاس از این نوع بود، حاکی از توجه فزاینده کشورهای شرکت کننده به مسائل اقتصادی است.

تشدید روابط اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای به اصطلاح جهان سوم مسایل اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده است. بدهی خارجی این کشورها به یک تریلیون (هزار میلیارد) دلار افزایش یافته و بهاری طاقت فرسا برای آنها تبدیل شده است. آهنگ رشد تولید ناخالص ملی این کشورها به ۱/۱ درصد رسیده است. رسیدن به این رقم با توجه به رشد بالای زاد و ولد منجر به کاهش سطح زندگی توده های مردم گردیده است. سهم کشورهای در حال رشد از مجموع درآمد جهان یک پنجم است در حالی که این کشورها به چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند.

علل و خاستگاه اقتصادی کشورهای در حال رشد در اسناد دیدار حراره مورد بررسی قرار گرفت و بر خصلت غیر عادلانه مناسبات بازرگانی - اقتصادی میان کشورهای به اصطلاح "شمال و جنوب" به عنوان ریشه اصلی این وضعیت تأکید شد.

در اثر افت قیمت مواد خام طی سال های ۱۹۸۱-۸۲ "جهان سوم" معادل ۹۳ میلییارد دلار از دست داد. در چنین شرایطی کاملاً طبیعی است که این کشورها خود را ستار مناسبات عادلانه و استقرار نظم نوین اقتصادی باشند. اما از آنجا که این خواست در آینده ای نسبتاً دور قابل حصول است، لذا کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تعهد یک رشته پیشنهادی عملی، منحل موار دزیر را مطرح نموده است: لغو مانع گمرکی تصمیمات مربوط به بحما بهت از صنایع داخلی، ایجاد صندوق ویژه جهت تشبیت قیمت مواد خام، برگزای کفنازی و بین المللی برای حل مسأله بدهی ها، گسترش کمک های مالی به کشورهای فقیر تر...

کمیته بهار مرخلع سلاح به عنوان یکی از مهم ترین و عینی ترین اهرم های تسریع رشد اقتصادی توجه زیادی نشان داد و ضمن حمایت از تلاش های اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا برای کاهش تنشات بین المللی و کاهش زرادخانه های هسته ای، همه راه شرکت در این تلاش دعوت کرد.

علیرغم ضعف های جنبش عدم تعهد، تنش و عود ایدئولوژیک، سمت گیری های سیاسی و مدل های رشدی که برگزیده شده است، نمی توان گرایش به پیوستگی، اتخاذ تصمیمات مشترک در رابطه با مسائل پیوسته و اقدامات عملی فزاینده را نادیده گرفت. اجلاس حراره بدون تردید در بر خورد مشترک با مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی راه های رفع آن، نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

به برنامه های
رادیو زحمتکشان ایران
گوش فرا دهید

بازسازی کشور، نیاز بزرگ ملی

با استقرار رسمی آتش بس و پدیدار شدن چشماندا صلح میان رژیم‌های حاکم بر ایران و عراق، مسئله بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ به یکی از اساسی‌ترین مسائل میهن متمدنی تبدیل می‌شود.

ایمان دویرانی کشور، عظیم‌ویا و نگرده‌نی است. چندین شهر، حدها روستا، دهها هزار واحد تولیدی کوچک و بزرگ، با لایشگاه عظیم آبادان، بنسار در و تاسیسات بندری و بسیاری از تاسیسات استخراج نفت و خطوط لوله ویران شده‌اند. در خوشبختانه‌ترین آثارها، خسارت‌های ناشی از ویرانی کشور، بالاتر از ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. و این همه تنها بخشی از ویرانی عظیمی است که جنگ طلبی مردم مرتجع و عظمت طلب همه را آورده است. بیست و اندومیلیون نفر آواره جنگی، بیش از ۵ میلیون بیگار، حدها هزار معلول جنگی و اقتصاد دورگشته بخش دیگری از این ویرانی‌ها است.

رژیم فقها تا روزی که توانست به جنگ تپیکار راه نهد، مدت‌ها زمانی به آتش بس تن درداد که در نتیجه فراموشی ما شین جنگی و مقاومت مردم و موعودهای از عوامل ملی و بین‌المللی، دیگر کار ما به حدی که به جنگ نبود، با فشاری جنون آمیز رژیم بر ما به جنگ با دیگران عقیقت را با وضوح تمام اثبات نمود که برای سران عظمت طلب رژیم ولایت فقیه، منافع توده‌های مردم میهن ما پیش از ارزش ندارد و آنها همه چیز کشور را در راه تحقق اهداف پلید و ارتجاعی خویش ویرانی و تداوم حیات تنگنفس خود قربانی می‌کنند. ما هیت ضد مردمی رژیم فقها با پذیرش آتش بس تغییر نکرده است و بازسازی کشور در شرایط سلطه چندین رژیم امروزی نیست که به بدن مبارزه شدید قابل تصور باشد، اکنون مبارزه بر سر سمت گیری‌های اساسی بازسازی، عمرگونی تازهای از پیکار علیه رژیم جعل و جنایت خمینی است. نظامی گری، انزوا به تاسیسات، استفاده عمده از بزرگ و تجار و تکریم زار، استبداد و استبداد فشارهای وحشیانه بر توده‌های زحمتکش، بسا دویسند و بسبت ویرانی‌های ترمین محافل امپریالیستی از جمله خصوصیات رژیم ولایت فقیه است که در درجه اول بازسازی نیز به شکل لگوناگون و از جمله در تعیین اولویت‌ها و تخصیص اعتبارات و تاسیسات منافع ملی و بین‌المللی، خوراکشان خواهد داد. فقیه‌ها حاکم که عدم تجویز کافی سپاه و ارتش به تسلیحات مدرن را یکی از دلایل ناکامی خود در تداوم جنگ می‌دانند، بدون تردید تجهیزات نیروهای مسلح به ویژه سپاه به سلاح‌های جدید و گران قیمت را در درازن برنا مه‌های خود قرار می‌دهند و در شرایطی که همه "تمهیدات" آنها برای "خودکفائی" در زمینه تسلیحات ناکام مانده است، به کمپانی‌های امپریالیستی سازنده جنگ افزارهای مسدود روی می‌آورند، این کمپانی‌ها از هم اکنون خود را برای دریافت سفارش‌های تازه و عقد قراردادها با کلان آما ده کرده‌اند. روزگاری که ما فرانسوی لوموند، ضمن تاکید بر این حقیقت ننگ آور که فرانسویان سه ساله‌ای جنگ پیش از ۴۰ درصد تولیدات نظامی خود را به عراق فروخته و تنها از قبضه این سوداگری جنون آمیز کم ۱۰ میلیارد دلار درآمد داشته، به یادآوری می‌کنند که انحصار این نظامی فرانسوی به منظور مقابله با بحران احتمالی در صنایع نظامی، به نیت بازسازی تسلیحاتی ایران چشم‌دوخته‌اند.

احساسات مشابهی هم اکنون در میان همین سوداگران مرگ مشاهده می‌شود. تشریفات وابسته به انحصارات نظامی ضمن بررسی حساب سود و زیان کمپانی‌ها در جنگ هشت ساله و اظهار تاسف برای انحصارات تولیدکننده و مهاجرت و سرمایه‌های گران‌باز، به نیت بازسازی و توسعه در سال‌های اخیر خود، به تولیدکنندگان تانک، هواپیما و سایر سلاح‌های سنگین و پیشرفته، رونق روزهای آتی بدهد تا اگر عمدتاً محصول سفارشات ایران خواهد بود، وعده می‌دهند.

تخمین اعتبارات کلان برای تجهیز ضربتی سپاه ارتش، آدامه‌سایات، جنگ، جنگ تا پیروزی در شرایط نوین است. و این در شرایطی که خطر فلاکت‌ناپذیر کشور شده است، جز تداوم و خیانته به منافع ملی و میهنی چیز دیگری نیست. میهن ما به نظامی گری نیازی ندارد. اندک اندک سیاست مسلح جویا و نوسپنج همگان تا مادی و معنوی کشور برای بازسازی ویرانی‌ها، بیگانه‌ها را به مقابله با خطر فلاکت‌ناپذیر و در این راه تبدیل مجدد خط تولید کارخانه‌های که در خدمت تولید جنگ افزار قرار گرفته‌اند، به خطوط اولیه تولید، بازسازی سریع صنایع منهدم شده و فراهم کردن امکانات اشتغال و بازگشت میلیون‌ها آواره جنگی به شهروندی، خود، با پدید آمدن برنا همه‌ها قرار گیرد. به آوارگانی که هشت سال در شرایط در بدوری در بیخوله‌ها، رنجی طاقت فرسا تحمل کرده‌اند، با پدما عادت شود تا

سیاست ارباب محکوم به شکست است

رژیم خمینی با به راه انداختن موج تازهای از ارباب و تروری می‌گوشد به خشم و نفرت مردم لگام زنده‌آلود ظهوری مدجبتش اعتراضی توده‌های جلوگیری کند، فرجام تنگت با سیاست‌ها به جنگ، جهشگری ارتجاعی، خبیانتکار و مردمکش رژیم خمینی را بیش از پیش آشکارا ساخت. تجربه‌ها جعبه‌ها و جنگ و فرجام میوک سیاست‌ها به جنگ خمینی، سرچشمه‌های تازهای از بصیرت و آگاه‌های راه‌بروی مردم گشوده است.

استفاده از حربه‌های فریب و تیرنگ و بهره‌گیری با لوسا نه‌است معتقدات و احساسات مذهبی و میهن‌دوستانه مردم دیگر نمی‌تواند به سیاست گذشته برای رژیم نتایج موثری داشته باشد. ما شومسی عبرت آموزا تنگ در برده‌ها و فریب خمینی آتش انداخته، تا آنجا که باز به‌های این آتش، چشم توده‌های میلیونی را برای دیدن حقایق و اذهان آنان را برای شناخت ما هیت فریبکار و فرود مردمی رژیم ولایت فقیه روشن‌تری خاصی بخشیده است. رژیم خمینی در هر اس از آینه‌ها و برای جلوگیری از تکسکل گیری و برآمدن جنبش اعتراضی مردم، برای آنکه اوضاع کشور را در سطح خودنگا هدا در، به گسترش موج ارباب‌تروری تویسلی جسته است.

در آخرین ماه‌های سال گذشته، زمانی که ناگزیری شکست فضا حت با رژیم خمینی در جنگ قطعی می‌یافت، موج جدید ارتعاب و تیرنگ زنده‌های جمهوری اسلامی را فرا گرفت. هنوز سال به پایان نرسیده بود که حکام اعدام ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی ما در شوش را از زندانیان جهت اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی انتقال یافتند. رژیم در پنجم خرداد ما رفیق انوشیروان لطفی را به جوخا عدا سپرد و هم‌زمان از اعدام دومبار زنده‌گزاران زمان ما همدین و اتحادیه سیدان کمونیست‌ها خبر داد. در تیرماه رژیم خمینی رفیق فرامرزوفی از کارهای برجسته ما زمان، رفقا سعید ادرنگ که در برجسته توده‌های و کمیونیزشناس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و نیز تندی چند از اعضای سازمان ما همدین خلق ایران را به جوخا اعدام سپرد. با شکست فضا حت با رژیم خمینی در جنگ که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به جا آمد، رژیم خمینی در تیرماه و تیرماه از حمارهای بلندی‌ندان ما گذشت و خصلت اجتماعی شما با ن شری پیدا کرد. رژیم خمینی با بهره‌گیری از بهانه‌های گریزهای نظامی ما همدین در مرزهای غربی کشور، کارزار گسترده‌ای را علیه مبارزان راه صلح و آزادی و پیروزی مردم در مقابل سراسر کشور به راه انداخته و با بسیج کلیه امکانات امنیتی و قوای سرکوبگر خود جهت پیگردنا را ضیان از جنگ، از جبهه‌گریختگان، مشمولین فراری و همگنی کسانی که علیه استبداد و اختناق، تباهی و ویرانی و فلاکت جمعی رژیم خمینی زمان به‌اعتراضی گشوده می‌گشایند، تمهیدات گسترده‌ای فراهم آورد. اکنون در آما هم‌مین روند، اردبیلی، مسئول شورای عالی قضائی رژیم قصد حکومت برای اعدام بودن ما همدین و گروهی زندانیان سیاسی را اعلام کرده است. بر آنچه که بالاترین مقام رسمی قضائی رژیم خمینی بر زبان رانده است، جز در جوار زرسمنی کشتار مبارزان و انقلابیون کشور، ما مدیگسری نمی‌توان نهاد. بالاکرتن موج ارتعاب و تیرنگ

در زندانی‌های جمهوری اسلامی در این رابطه است. شما دفی نیست که رژیم خمینا اوین، قزل حصار و کوه‌دشت برای بنیان نگا هدا شتن جنا یا تشان و جلوگیری از درزا خبار مربوط به زندانیان سیاسی از ۲۹ تیرماه بمدت ۳ ماه ملاقات زندانیان با خویشان و بستگان آنان را ممنوع کرده است. زندانیان سیاسی در اعتراض به بی‌قانونی، خودسری، ضرب و شتم و جنایات جلادان خمینی، دست به اعتصاب زده‌اند. بیست دیوارهای بلندی‌ندان نه‌ای رژیم خمینی، بهترین فرزندان خلق، تنه‌ها ایسن دلیل‌ها را صلح و آزادی و پیروزی مردم، اعلام کرده‌وهی می‌کنند، بی سروصدا ملاحی می‌شوند. آخرین خبرها حاکی از آن است که ۳۵ تن دیگر از رهبران و کارکنان رژیم خمینی در زندان‌های ایران به‌منظور اجرای احکام اعدام به سلول‌های انفرادی بفرستاده شده‌اند. جان فدائیان، ما همدین و دیگر مبارزان در بند در خطر جدی قرار دارند.

سیر رویدادها در سه ماه‌ها اخیر از بی‌کمیته مرکزی سازمان ما را در ابربر اینک عدا هر رفیق انوشیروان لطفی همراه با دومبار زنده‌گزاران این اوضاع مشخصاً یک تصمیم سیاسی است که قبل از همه رژیم رژیم از آینده‌نشان می‌گیرد، به عبوت رساند. رویدادها همچنین بر امانت و ما هیت مردمی و انقلابی فراخوان‌های کمیته مرکزی ما در دفاع متحد زندانیان سیاسی کشور، مهرنا شومسی می‌گذارد. فراخوان‌ها می‌گردد که رژیم خمینی مبارز و آزادیخواه کشور طلب می‌کند، "نگذاریم رژیم درخفا بهترین فرزندان خلق ما را نیست و تا نبود کند، به یادید دفاع از زندانیان سیاسی ایران یا هر عقیده و فکری که هست، دست یکدیگر را نبریم". سیاست ارتعاب و تروری رژیم محکوم به شکست است. اما اگر همه نیروهای مبارز و آزادیخواه کشور متحد شوند، می‌توان روز شکست رژیم را نزدیک و نزدیکتر کرد. ما شایب بزرگ و پرشمارای زندگی مردم ما را به رنج و درد آکنده است. زندانیان سیاسی نیز در درد و رنجند. برای بیان دادن به این مسائل، دردها و رنج‌ها، برای اینکه روزها دگامی هر چه زودتر فرارند متحد شویم.

شهادت رفیق انوشیروان ابراهیمی

ما مردم، ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که رفیق انوشیروان ابراهیمی، دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرایی وقت حزب توده ایران، به دست جلادان رژیم تپیکار خمینی به شهادت رسیده است.

رفیق انوشیروان ابراهیمی که از بسند تا بسین حزب، به عضویت آن در آمده بود، با زندگی پر بار مبارزاتی‌اش، شرکت در جنبش خلق آذربایجان، تلاش بی وقفه در مهاجرت و فعالیت خستگی‌ناپذیر در اسل‌های پس از انقلاب بهمن، نقش ارزنده‌ای در حیات حزب و جنبش انقلابی میهن ما داشت.

رفیق ابراهیمی در اردیبهشت سال ۶۲، هنگام بیورش سراسری به حزب توده ایران دستگیر شد. در اطلاعیه هیئت سیاسی حزب توده ایران آمده است: " اردیبهشت سال گذشته‌های هراستاک جسمی و روحی با قلبی آکنده از عشق به خلق و جزیش سرانجام به عنوان یک توده‌ای معتقد و مومن با قامت استوار به استقبال شهادت رفت."

ما شهادت رفیق ابراهیمی را به‌خاطر شهادت‌اش و همه رفقای توده‌ای تسلیم می‌گوشیم

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس
PF-10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

بتوانند خنده و سرپناه خود را از نو بسازند، ایجاد اشتغال برای این هم‌میهنان ستم‌دیده و زطریسوق احیای صنایع آسیب‌دیده، ایجاد کارخانجات جدید و اتخاذ تدابیر امنیتی دیگر، امری نیست که بتوان آن را به‌تازگی انجام داد.

تجربه‌ها اقدامات نهادهای وابسته به رژیم از جمله جها دسان زندگی و بتنیادهای رنگارنگ رخداد و مستضعفین و... نشان می‌دهد که رژیم کما فضا ن و جلا ن ضد علم توان بهره‌جویی از تجار جهان و برنا مه ریزی علمی را در توده‌های کار بست تحسار ب موفق کشورهای همانند آلمان، ژاپن و اتحاد شوروی، به تاسیس گداخانه‌های تازه و تان‌های جدید برای دزدان فاسدی که سراسر دستگا ه دولت را انباشته‌اند، دست می‌زنند. با پیدای هم‌اکنون نسبت به اینگونه اقدامات رژیم، ما هشیارای برخوردار شد

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!